



## کارکرد معنایی رنگ در مثنوی‌های عطار در انطباق با نگاره‌های غنایی هفت‌گنبد بهرام گور

محمد رضا شاه‌کرمی<sup>۱</sup>، قاسم صحرایی<sup>۲</sup>، علی حیدری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. shahkarami.mo@fh.lu.ac.ir

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. Sahrai.g@lu.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. heydari.a@lu.ac.ir

### چکیده

شاعران و هنرمندان در دوره‌های مختلف برای القای معانی و مفاهیم مورد نظر خود از عنصر رنگ استفاده کرده‌اند. عنصر رنگ یکی از نکات کلیدی و پرکاربرد در مثنوی‌های عطار است. او هنرمندانه و اغلب با استفاده از عناصر بلاغی از قدرت تداعی معانی رنگ‌ها بهره‌گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که عطار از عنصر رنگ چگونه استفاده کرده است و کدام معانی و مفاهیم را به کمک رنگ‌ها بیان نموده و نمایش داده است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. دست‌یابی به نقش رنگ‌ها در بیان معانی و مفاهیم ذهنی و همچنین کاربرد رنگ‌های انتزاعی برای بیان بعضی از مفاهیم مهم عرفانی مورد نظر شاعر، از جمله دستاوردهای این پژوهش است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که در مثنوی‌های عطار، بسامد دو رنگ سیاه و سفید بیشتر از رنگ‌های دیگر و رنگ‌های انتزاعی دارای کمترین بسامد است. مطلوب‌ترین رنگ‌ها در نظام فکری عطار، رنگ‌های انتزاعی هستند و مفاهیمی بسیار گسترده‌تر از رنگ‌های معمولی دارند و اغلب برساخته ذهن خود شاعرند. گاهی رنگ‌ها در بافت معنایی غنایی و عاشقانه، برای بیان زیبایی ظاهری در راستای تبیین آموزه‌های عرفانی، کارکرد معنایی و بلاغی یافته‌اند. در منظومه غنایی بهرام گور نیز رنگ‌ها ابزاری مفید برای انتقال مفاهیم مورد نظر نگارگر است.

### اهداف پژوهش:

۱. نشان دادن نقش رنگ‌ها در پردازش معانی و مفاهیم مورد نظر عطار و منظومه هفت‌گنبد بهرام گور.

۲. فراهم کردن زمینه برای فهم‌بخشی از ادبیات غنایی و عرفانی.

### سؤالات پژوهش:

۱. عطار چه معانی و مفاهیمی را به کمک رنگ‌ها بیان کرده است و در نظام فکری عطار، مطلوب‌ترین رنگ برای بیان مفاهیم عرفانی کدام رنگ است؟

۲. عنصر رنگ چه جایگاهی در اندیشه عطار و منظومه هفت‌گنبد بهرام گور داشته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۲۴۰ الی ۲۶۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

مثنوی‌های عطار،

رنگ،

مفاهیم انتزاعی،

مفاهیم غیرانتزاعی.

### ارجاع به این مقاله

شاه‌کرمی، محمد رضا، صحرایی، قاسم،

حیدری، علی. (۱۴۰۱). " کارکرد معنایی

رنگ در مثنوی‌های عطار در انطباق با

نگاره‌های غنایی هفت‌گنبد بهرام گور".

مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۲۴۰-۲۶۶.



[doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS)

[www.dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.22.0](https://www.dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.22.0)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS)

[20.22.32.995.1820](https://www.doi.org/10.22034/IAS)

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری "محمد رضا شاه‌کرمی" است که به راهنمایی دکتر "قاسم صحرایی" و مشاوره دکتر "علی حیدری" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "لرستان" واحد "خرم‌آباد" ارائه شده است.





## مقدمه

رنگ‌ها همواره علاقه و توجه بینندگان را به‌خود جلب کرده و تحت تأثیر رنگ‌های محیط اطراف خود قرار دارند و عکس‌العمل نشان می‌دهند. اما شاعران، نویسندگان و دیگر هنرمندان به‌گونه‌ای متفاوت از رنگ تأثیر پذیرفته و از آن سود می‌جست‌اند؛ چراکه رنگ را در راستای دستیابی به اهداف خود، از مؤثرترین و کارآمدترین ابزارهای انتقال پیام تلقی می‌کردند. بنابراین به‌تناسب محیط جغرافیایی، باورها و اعتقادات مذهبی و اجتماعی و وضعیت روحی-روانی خود، برای عمق‌بخشیدن به معنای موردنظر و عینی و محسوس کردن تصاویر شاعرانه از عنصر رنگ مددگرفته‌اند. براین اساس، تحلیل رنگ در یک اثر ادبی و هنری به شناخت آن اثر و آفریننده‌اش کمک شایانی می‌کند.

در قرن ششم و با ظهور سنایی، مفاهیم و مضامین مربوط به عرفان و تصوف به‌صورت چشمگیری وارد حوزه شعر فارسی شد و عنصر رنگ که قبل از او در بیان توصیف امور محسوس و مادی به‌کار می‌رفت، برای مجسم ساختن امور معقول، معنوی و انتزاعی به‌کار گرفته شد. شاعران عارف مسلک و صوفی مشرب برای بیان معانی، مقاصد و اندیشه‌های خود، با شیوه‌های هنرمندانه و شاعرانه، عنصر رنگ و مفاهیم برخاسته از آن را به‌کار گرفتند. فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر صوفی و عارف مسلک قرن ششم (و اوایل قرن هفتم) از معانی و مفاهیمی که رنگ‌ها القا می‌کنند برای بیان معانی و ایده‌های موردنظر خود به‌شیوه‌های گوناگون بهره گرفته‌است و عنصر رنگ از نکات کلیدی و پرکاربرد آثار شعری او از جمله مثنوی‌های وی است. این پژوهش علاوه بر دستیابی به شگرد عطار در کاربرد رنگ‌ها، نقش و کارکرد آن‌ها را در بیان مفاهیم و معانی مورد نظر او تبیین می‌کند. منظومه غنایی هفت‌گنبد بهرام‌گور از آثار شاعر بزرگ نظامی گنجوی است که در قرن نهم هجری نسخه‌نویسی شده و نگاره‌هایی برای آن ترسیم شده است. بررسی عنصر رنگ و معانی آن در این نگاره‌های می‌تواند روشنگر اهمیت عنصر رنگ نزد هنرمندان این دوره باشد.

در زمینه «تحلیل رنگ در مثنوی‌های عطار» غیر از اشاراتی اندک و پراکنده در بعضی از مقالات، کتب و یا مقالاتی مستقل نوشته نشده است. لذا انجام چنین پژوهشی ضروری است. از اندک تحقیقات مرتبط با موضوع که پیشینه این تحقیق محسوب می‌شوند، می‌توان به مقاله «جلوه‌های نمادین رنگ در ادب عرفانی» از لیلا امینی لاری (۱۳۹۲) و مقاله «تحلیل کارکرد محتوایی- بلاغی رنگ‌ها در غزل عطار» اثر فاطمه کلاهیچیان و فاطمه نظری‌فر (۱۳۹۵) و همچنین پایان‌نامه «نمادپردازی در مثنوی‌های عطار» از صغری رحمتی‌نژاد (۱۳۹۱) اشاره کرد.

پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی عنصر رنگ نزد شاعران و هنرمندان ایرانی با محوریت آثار عطار و نظامی بپردازد. این جستار می‌تواند نکات مهمی را درخصوص اهمیت کاربست رنگ و معانی آن روشن سازد.

## ۱. نگاره‌های منظومه غنایی هفت‌گنبد بهرام گور

نظامی گنجوی را می‌توان به عنوان یکی از چهره‌های برجسته نمادپردازی در ادبیات فارسی به‌شمار آورد. در میان آثار ارزشمند این شاعر بزرگ، هفت پیکر اثری کاملاً رمزی است که هر یک از اجزا و تصاویر آن می‌تواند به صورت نمادین تفسیر شود. یکی از مهم‌ترین این تصاویر، تصویر «غار» است که نقش پررنگ و برجسته‌ای در سراسر اپیزودهای (حادثه‌های فرعی) این کتاب ارزشمند دارد. هفت‌گنبد از جمله منظومه‌های افسانه‌ای دلکش ادب پارسی است که توسط شاعر ایرانی، نظامی گنجوی سروده شده است. نظامی یکی از چهره‌های برجسته نمادپردازی در ادبیات فارسی است. هفت‌گنبد از معدود آثار کلاسیک ایرانی است که با زبانی نمادین و سمبلیک بیان شده است. خمسه نظامی، از منظومه‌هایی است که در طول تاریخ، نسخ متعددی از آن، به صورت مصور و غیرمصور تهیه شده است. به خاطر رابطه متن منظومه و نگاره‌ها، نسخ مصور علاوه بر متن منظومه، بار معنایی حاصل از نگاره‌ها را نیز در خود جای داده است. در نسخ مصور بررسی شده، بهرام گور محور اصلی روایت نگاره‌هاست و بیشترین بسامد آن مربوط به حضور بهرام گور در هفت‌گنبد است و در ترسیم نگاره‌ها، نگارگر تابع عوامل برون متنی هم هست و کاملاً تابع متن نیست.

در نسخ مصور، متن ادبی مینا و پایه شکل‌گیری نگاره‌هاست. نگارگر برای انتقال مفاهیم از متن ادبی به تصویر از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کند. نمادگرایی از مؤثرترین ابزارهای انتقال معنا برای هنرمند است. هفت‌گنبد ماجرای زندگی بهرام گور است. در این اثر، تحولات سیاسی و نیز گرایش‌های هنرمندان بر زبان رمزگونه نگارگری نیز تأثیرگذار بوده است. مفاهیم نمادین مربوط به عرفان هندی به صورت نامحسوس در نگاره ملاحظه می‌شود. نگارگر در هر دوره با تکیه بر پشتوانه‌های مربوط به این هنر و با بهره‌گیری از ذوق و زیبای‌شناختی خود تحت تأثیر متغیرهای سیاسی، فرهنگی، عرفانی حاکم بر زمان خود به خلق اثر هنری پرداخته است (مه‌پیار، ۱۴۰۰: ۶۲).

## ۲. رنگ‌ها در آثار عطار و نگاره‌های هفت‌گنبد بهرام گور

### ۲.۱. رنگ سیاه

از دیدگاه روانشناسان، تأثیر روانی رنگ سیاه مطلوب نیست و انرژی روانی و حتی نیروی جسمی انسان را تقلیل می‌دهد (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۸۳). بدبینی، ناامیدی و ناخشنودی، لجاجت، پوچی، تسلیم، بی‌علاقگی به زندگی و... از آثار روانی رنگ سیاه است. رنگ سیاه، مصادیق و واژه‌های جانشین آن، در مثنوی‌های عطار ۴۵۶ بار به کار رفته است. عطار این رنگ را در اکثر موارد برای بیان مفاهیم انتزاعی با بار معانی منفی به کار برده است.

#### ۱. سیاه، نماد و رنگ بی‌قدری و بی‌ارزشی

که چون این سرخ‌رو سرسبز ره شد سپید و زرد بر چشمش سیه شد

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

این بیت در وصف علی (ع) است. رنگ سیاه برای بیان نفرت است؛ «سیه‌شدن» در اینجا کنایه از بی‌ارزشی و بی‌مقداری است.

## ۲. سیاه، نماد و رنگ هجران

چو شب شد همچو روز هجر تاریک جدا آن هر یکی را خواند نزدیک

(همان: ۲۳۶)

شب به روز هجر (که مفهومی انتزاعی است) مانند شده است. بیان پارادوکسی در مصراع اول، تشبیه را هنری تر کرده است و «تشبیه، پارادوکس ادبی (متناقض نما) است که با وجه شبه حل می شود» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۷۴).

## ۳. سیاه، رنگ و نماد دنیا

دو چشمش ازرق و چون قیر رویش نجاست می دمید از چارسویش

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۸۰)

«قیر»، نماد سیاهی و «سیاه»، نماد دنیا است. غرض از این تشبیه زشت جلوه دادن مشبه است. «سیاه»، رنگی برای توصیف پلشتی و نفرت انگیز بودن دنیا است که به شکل پیرزنی ازرق چشم و سیاه رو بر عیسی (ع) جلوه می کند.

## ۴. سیاه، رنگی برای توصیف خطر و ناامنی در سلوک

یقین می دان که راهی بیکران است رهی تیره چراغش نور جان است

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۴۰)

عطار می گوید برای فائق آمدن بر مشکلات و رسیدن به کمال، دانش همراه با عمل، فنای محض و جان آگاه برای سالک ضروری است. «تیره» در اینجا کنایه از مشکلات سلوک و رسیدن به کمال است.

## ۶. سیاه، رنگ کینه

غلامان همچو مژگان صف کشیده سیه دل جمله و سرکش چو دیده

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۷۳)

«سیه دل»، در اینجا کنایه از کینه ورز است و وجه شبه در این تشبیه، مفهومی ذهنی و انتزاعی را نشان داده است.

## ۷. سیاه، رنگ بداندیشی

سیه دل تر ز دیگی، ای گنه کار فروگیر، ای سیه دل، دیگت از بار!

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۹۴)

«سیه دل»، در اینجا کنایه از بداندیش و خام اندیش است.

## ۸. سیاه، رنگ روی عاصیان و غافلان و گناه کاران در روز رستاخیز

عاصیان و غافلان را از گناه روی ها گردد به یک ساعت سیاه...

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۱۶)

«سیاه روی»، در اینجا کنایه از عاصی و گناه کار است. «در ازمنه قدیم «سیاه کردن روی گناه کاران» نوعی تنبیه محسوب می شد...» (آنه ماری و ساسک و میراحمدی، ۱۳۸۲: ۵۳). در قرآن مجید، رنگ سیاه هفت بار و در یک مورد، برای تمایز بین نیکوکاران و بدکارانی که بعد از ایمان، کفر ورزیده اند، به کار رفته است.<sup>۱</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۶

۹. سیاه، رنگ رسوایی و بی‌آبرویی

چون سیه‌رو گشت گفت «ای بی‌نیاز ضایع‌مگذار و کار من بساز

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۳۸)

بیت در مورد شیطان است که به دلیل تکبر رسوا شد. «سیه‌رو»، کنایه از رسوا و بی‌آبرو است.

۱۰. سیاه، رنگ حجاب و جدایی

که تا از میغ تاریک جدایی بتابد نور صبح آشنایی

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۶۱)

تشبیه، برای بیان ایده و مفهومی عرفانی و مثبت به کار رفته است. میغ تاریک، حجابی است که انسان بین خود و آنچه غیر خداست قرار می‌دهد تا نور آشنایی با خدا، بر او بتابد.

۱۱. سیاه، نماد و رنگ بلا و مصیبت و دشواری‌ها

ای شده عمری گران‌بار گناه! می‌نترسی پیش و پس آبی سیاه؟

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۰۰)

«سیاه»، نماد بلا و مصیبت و «آب سیاه»، کنایه از مصائب و دشواری‌های حاصل از گناه است.

۱۲. سیاه، رنگ و نماد بی‌بصیرتی

ز یک‌یک ذره سوی دوست راه است ولی بر چشم تو عالم سیاه است

(عطار، ۱۳۹۷ الف: ۱۰۹)

هر ذره‌ای دریچه‌ای است به خورشید حقیقت؛ ولی درک این واقعیت نیاز به بصیرت دارد. «عالم بر چشم کسی سیاه بودن» در این بیت کنایه از بی‌بصیرتی و ناآگاهی است.

۱۳. سیاه، رنگ ترس و یأس و ناامیدی

در ایمان یافت موی او سپیدی مدارش در سواد ناامیدی

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۳۳)

ناامیدی نشان کفر<sup>۱</sup> و ذاتاً سیاه است. ناامیدی به مکانی سیاه مانند شده است.

۱۴. سیاه، رنگ و نماد جهل و بی‌خبری

ز تاریکی درآوردی تو ما را به تاریکی فرو بردی تو ما را

(عطار، ۱۳۹۷: ۴۳۵)

«تاریکی»، در اینجا نماد جهل و نادانی است. «از آنجا که سیاه یادآور عدم و کائوس<sup>۲</sup> است، اغتشاش و بی‌نظمی را به ذهن متبادر می‌کند و نشانه ظلمت نخستین است...» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۳۹۲). واژه «تاریکی»، در مفهوم

۱- سوره یوسف، آیه ۸۷

۲- آشفنگی

کنایه «درهم و برهم بودن؛ آشفتگی، پیچیدگی؛ ابهام، جهل و بی‌خبری یا بی‌اعتقادی.» نیز به کار می‌رود (انوری، ۱۳۸۳: ۲۶۲). «از تاریکی درآوردن» کنایه از «آفریدن از عدم» و «به تاریکی فرو بردن» کنایه از به پایان رساندن عمر و مردن و در قبر دفن شدن است.

۱۶. سیاه، رنگ عقل و حشمت و خودبینی

نور ظاهر گشت و ظلمت می‌گریخت عشق آمد عقل و حشمت می‌گریخت

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۶۵)

سیاهی عقل و حشمت را باید با نور عشق که با اطاعت محض سالک از پیر حاصل می‌شود زائل کرد. «ظلمت»، کنایه از عقل و حشمت و خودبینی است.

۱۷. سیاه، رنگ بخل و امساک

کس سیه‌دیگم نمی‌خواند به نام چون سیه‌کاسه تویی در هر مقام

(همان: ۱۹۸)

«دیگ»، نماد کسانی است که به گنه خود سفر نکرده‌اند. «سیه‌کاسه»، کنایه از مردم بخیل و است.

۱۸. سیاه، رنگ فقر (در مفهوم عرفانی)

آن یکی پوشیده در فقر سیاه وان دگر از عشق گشته پادشاه

(همان: ۲۹۹)

«آن یکی پوشیده در فقر سیاه اشاره است به رنگ حجرالاسود که سیاه است و سخن بسیار معروف صوفیه که «الفقر سواد الوجه فی الدارین» فقر روسیاهی هر دو جهان است» (تعلیقات مصیبت‌نامه، شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷: ۶۴۵-۶۴۶). «فقرسیاه»، در اینجا کنایه از بی‌نیازی مطلق است. در نگاره‌های هفت‌گنبد نظامی نیز رنگ سیاه نمادی از شکو و بی‌نیازی است.



تصویر ۱- گنبد سیاه، هفت گنبد نظامی، مکتب هرات، ۸۴۹ه.ق. منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

۱۹. سیاه، نماد و رنگِ نفسِ اماره و تعلقات آن

اگر آیینۀ تو همدمِ تُستت      چو از دم تیره شد نامحرمِ تُستت

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

ترکِ تعلقاتِ نفس، حجاب بین عاشق و معشوق را از میان برمی‌دارد. «تیره‌شدن آینه»، در اینجا کنایه از پیروی از نفس اماره است.

۲۰. سیاه، رنگ ارزشمندی و فنا

غم مخور کآتش ز روغن در چراغ      دوده‌ای پیدا کند چون پرّ زاغ

(عطار، ۱۳۹۷: ۴۱۵)

سوختن روغن در چراغ باعث به‌وجود آمدن دوده‌ای بسیار سیاه می‌شود که از آن مُرکب می‌ساختند و قرآن را با آن می‌نوشتند. بیت در مورد جایگاه محو و فنا است که با «خود را هیچ انگاشتن» به این مرتبه خواهی رسید. «دوده»، در سیاهی به پرّ زاغ مانند شده است و «دوده چون پرّ زاغ»، کنایه از دوده بسیار سیاه‌رنگ است.

۲۱. سیاه رنگ گرفتاری و نماد ناتوانی از درک حقیقت هستی

بماندی در کبودی و سیاهی      بمردی در میان آخر چه خواهی؟

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۸۶)

کبود و سیاه، رنگ مصیبت ناشی از «بی‌معرفتی» است. «در کبودی و سیاهی ماندن» کنایه از مطلق گرفتاری است» (تعلیقات اسرارنامه، شفیع کدکنی، ۱۳۹۷: ۴۲۷).

۲۲. سیاه، رنگ و نماد شناخت ناقص و غلط

تو پنداری کز آتش سود دیدی      نمی‌دانی کز آتش دود دیدی

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۵۵)

دود، تداعی کننده سیاهی و در این بیت، نماد «معرفت ناقص» است.

ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سیاه

۱. سیاه، رنگ زیبایی چشم

تصویر: استعاره

دو زنگی‌بچه هر یک با کمانی      به تیر انداخته هر جا که جانی

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۷۲)

«دو زنگی‌بچه»، استعاره از دو چشم سیاه است. کمان و تیر نیز استعاره هستند و تناسب صوری و معنایی هر سه استعاره به زیبایی و اغراق‌گونه‌گی تصویر افزوده است.

۲. سیاه، رنگ تن و بعد مادی و خاکی انسان

چو پشت آینه ست آن تیرگی تن      ولی جان روی آینه‌ست روشن



(عطار، ۱۳۹۷: ۱۱۷)

«تیرگی تن»، کنایه از جسمانی و خاکی بودن تن است.

**ج: درهم تنیدگی مفاهیم انتزاعی و غیرانتزاعی**

سیاه، رنگ شب و نماد کفر و گناه

چون شب تاریک در شعر سیاه شد نهران چون کفر در زیرگناه

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۸)

شب در شعر سیاه پنهان شده است آن گونه که کفر در زیرگناه پنهان است. «شعر سیاه»، استعاره از تاریکی و سیاهی شب است. شب، کفر و گناه در ذات خود سیاه هستند. سیاهی و تاریکی شب، مفهومی غیرانتزاعی و سیاهی کفر و گناه، مفهومی انتزاعی است.

جدول ۱: بسامد رنگ سیاه و واژه‌های جانشین آن

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۴۵۶	۸۵	۸۹	۱۴۷	۱۳۵

جدول ۲: آمار کارکرد معنایی رنگ سیاه در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۳۱۷	۶۱	۶۸	۹۷	۹۱

جدول ۳: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی بیان شده با استفاده از رنگ سیاه در ۴ مثنوی

جمع	مفاهیم غیر انتزاعی	مفاهیم انتزاعی
۷۶	۲۰	۵۶

**۲،۲. رنگ سفید**

رنگ سفید باعث آرامش روحی و روانی می‌شود و اغلب، معانی و مفاهیم مثبت به همراه خود دارد. سفید، نشان نور، زیبایی، پاکی، پاک‌دامنی، عفت، صداقت، نشاط، امید و صلح است. «جنبه مثبت سفید، نمایانگر روشنایی، پاکی، معصومیت و بی‌زمانی است و جنبه منفی‌اش، نمایانگر مرگ، وحشت و نفوذ ناپذیری گیتی» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۲۲). رنگ سفید و واژه‌های جانشین آن، در مثنوی‌های عطار ۴۴۰ بار به کار رفته است. این رنگ در اکثر موارد در بافت معنایی عاشقانه و غنایی، برای بیان زیبایی ظاهری، در راستای تبیین آموزه‌های عرفانی مورد استفاده قرار گرفته است. عطار در کاربرد این رنگ بیشتر به جنبه‌های مثبت آن نظر داشته و بعضی از مفاهیم انتزاعی را به این رنگ می‌دیده است. نظامی نیز در هفت‌گنبد از رنگ سفید برای بیان پاکی و عرفان بهره جسته است.



تصویر ۲- گنبد سفید، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۵۸۹۸ ه.ق. منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

#### الف: مفاهیم انتزاعی رنگ سفید

۱. سفید، رنگ و نماد تزکیه و پاکی

که دل کردن سپیدم بود پیشه ترا کاغذ سیه کردن همیشه

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۴۸)

«دل سفید کردن»، کنایه از پاک کردن دل از کدورات و تزکیه آن است. «در تحلیل رنگ سفید، که اغلب با بی‌رنگی مرادف است، معصومیت غیر قابل لمس و تزکیه را می‌توان دریافت» (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۶). حسد مردمان از دل بیرون کردن، دنیا را بر دل سرد کردن و ... از مصادیق «دل سفید کردن» است که حبیب عجمی، حسن بصری را به انجام آنها توصیه می‌کند. (عطار، ۱۳۹۸: ۶۵ / ۱) «سپید» در این بیت نماد دل پاک و خالی از تمایلات نفسانی است.

۲. سپید، رنگ امید

در ره بیم و امید افتاده‌ام در سیه و در سپید افتاده‌ام

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۳۰)

«سفید» در اینجا امید به عفو و انعام خداوند است. «در سپیدافتادن» کنایه از امیدوار شدن است.

۳. سفید، رنگ روی نیکوکاران و بخشنده‌گان در بهشت

چو فردا رویها بعضی سیاه است نه بعضی رویها مانند ماه است؟

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۱۷)

نیکوکاران در روز رستاخیز، سفیدروی محشور می‌شوند. روی نیکوکاران در سفیدی و زیبایی به ماه مانند شده است.

۴. سفید، نماد و رنگ تقوی و پرهیزکاری

گر چو ابراهیم ادهم بایدت      اشتهب تقوی مسلم بایدت

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۹۲)

تقوی، به اشتهب مانند شده است و وجه شبه سفیدی است که نشانه و نماد پاکی و پرهیزکاری است.

۵. سفید، نماد وصال

لیک چون منشور شاهی خواندند      از سپیدی در سیاهی ماندند

(همان: ۴۰۶)

سفیدی نماد وصال و «از سپیدی در سیاهی ماندن»، کنایه از فراق و از دست دادن آرامش خاطر است.

۶. سپید، نماد و نشانه عیب و نقص و ضعف در پیمودن راه کمال

پس بدید آن مرد عیب چشم یار      «این سپیدی» گفت «کی شد آشکار؟»

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۷۱)

آنگاه که عشق آن مرد نسبت به زن نقصان می‌گیرد سپیدی (: عیب و نقص) در چشم زن برایش آشکار می‌شود.

«سپیدی» در اینجا کنایه از عیب و نقص و در مفهوم منفی به کار رفته است.

۷. سپیدی، مرتبط با خودنمایی، ستم و فریبکاری

توای زرا! زرد گرد از ناامیدی!      تو نیز ای سیم! می‌کن این سپیدی!

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

«سپیدی کردن» کنایه از خودنمایی و فریبکاری است.

۸. سپید، رنگ جانِ علوی

مگر باز سپید شاه برخاست      بشد در خانه آن پیرزن راست

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۶۰)

«باز سفید»، استعاره و تمثیلی برای جان پاکِ علوی است که در دام دنیا گرفتار و دست‌خوشِ نقص و کاستی است.

۹. سپید، رنگ و نماد نیکوکاری و بی‌گناهی

تو هم در آبِ رویت کن نگاهی      بین تا خود سپیدی یا سیاهی

(همان، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

سپید نماد پاکی و بی‌گناهی و «سپیدبودن»، کنایه از نیکوکاری و بی‌گناهی است.

ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سفید

۱۰. سفید، رنگ و نماد زیبایی ظاهری

خال او هندوستان در روم داشت      ترک‌تازی تا به چین معلوم داشت

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۵۸)

رومی‌ها سفیدروی و هندی‌ها سیاه‌چهره هستند؛ «روم» در اینجا استعاره از چهره سفید و زیبا است. سیاه و سفید در کنار هم برای اغراق در تصویر زیبایی است.

۲. سفید، رنگِ روز

روز از بسطش سپید افروخته شب ز قبضش در سیاهی سوخته

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۳۴)

«سفیدافروختن» کنایه از به رنگ سفید درآمدن است. روز به واسطه گشایش پروردگار، به رنگ سفید برافروخته است.

ج: درهم‌تنیدگی مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سفید

سفید، رنگ پیری و ناتوانی و تداعی‌کننده ناامیدی

چو شد کافور موی مشک بام کفن باید، که من کافور دارم

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

«موی مشک‌بار، مانند کافور شدن»، تشبیه و کنایه از سفید شدن موی سیاه و پیری است (مفهوم غیرانتزاعی)، همچنین «کافور» استعاره از موی سفید و تداعی‌کننده ناامیدی و نشان پایان عمر و مرگ است (مفهوم انتزاعی).

جدول ۴: بسامد رنگ سفید و واژه‌های جانشین آن

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۳۶۸	۴۸	۹۷	۱۱۷	۱۰۶

جدول ۵: آمار کارکرد معنایی رنگ سفید در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۳۲۷	۴۰	۸۸	۱۱۵	۸۴

جدول ۶: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی بیان‌شده با استفاده از رنگ سفید در ۴ مثنوی

جمع	مفاهیم غیر انتزاعی	مفاهیم انتزاعی
۴۷	۳۰	۱۷

۲,۳. رنگ سرخ

رنگ سرخ «نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در خود دارند. قرمز یعنی محرک، اراده برای پیروزی، و تمایلات جنسی گرفته تا تحول انقلابی... قرمز از لحاظ نمادی شبیه به خونی است که در هنگام پیروزی ریخته می‌شود...» (لوشر، ۱۳۹۷: ۸۶ - ۸۷). عطار نسبت به رنگ سرخ نگاه مثبتی دارد. او رنگ سرخ و واژه‌های جایگزین آن را ۲۳۶ بار به کار برده است.

## الف: مفاهیم انتزاعی رنگ سرخ

۱. سرخ، رنگ و نماد عشق و عاشقی و شهادت

کسی عاشق بود کز پای تا فرق      چو گل در خون شود اول قدم غرق

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۱۲)

«قرمز، رنگ خون است و در بسیاری از فرهنگ‌ها و آیین‌ها رنگی مقدس است» (کوپر، ۱۳۹۳: ۴۱). «شهید» به گلی سرخ مانند شده و «در خون غرق شدن گل»، کنایه از سرخی گل است.

۲. سرخ، رنگ اسرار دل و درد (در مفهوم عرفانی آن)

اشکِ چون شنگرف اسرارِ دل است      سیر خوردن چیست؟ زنگارِ دل است

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۱۷)

اشک خونین از نظر رنگ به شنگرف مانند شده است؛ و نشانِ دردمندی و اسرار درون است.

۳. سرخ، نماد عاشقانِ واصل و رنگ شجاعت و سرافرازی و افتخار

که چون این سرخ رو سر سبز ره شد      سپید و زرد بر چشمش سیه شد

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

«سرخ رو»، کنایه از کسی است که سربلند است و احساس شرمندگی ندارد و در اینجا منظور عطار، علی (ع) است که عارفی واصل است و شجاعتِ مبارزه با نفسِ اغواگر را دارد و زر و سیم بیت‌المال نتوانسته است او را فریب دهد.

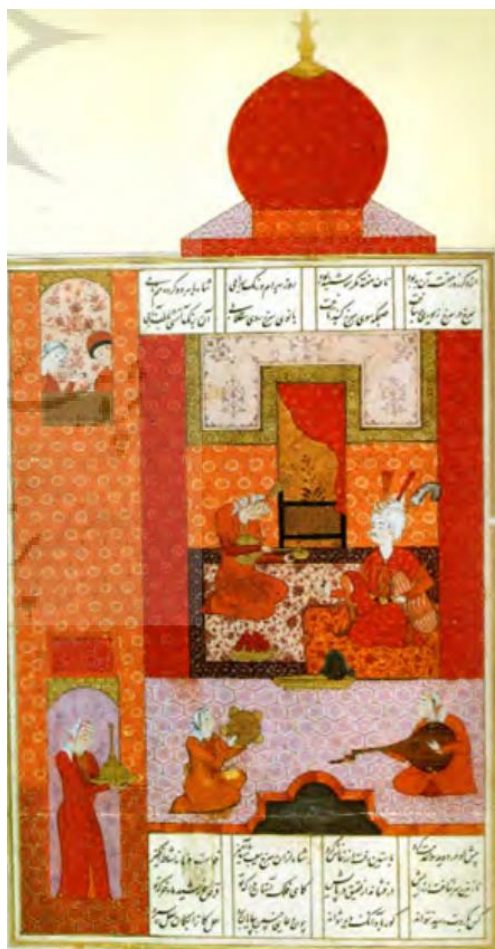
۴. سرخ، رنگی برای تصویر سوختن و فنا

چون گرفت آتش ز سر تا پای او      سرخ شد چون آتشی اعضای او

(عطار، ۱۳۹۷: ۴۱۶)

حکایتِ پروانه‌ای عاشق است که آتش شمع را در آغوش می‌کشد و در نور و شعله آن فنا می‌گردد و این‌گونه عشق خود را ثابت می‌کند. «سرخ شدن» در اینجا کنایه از سوختن و فنا است.

نظامی نیز در هفت گنبد خود از رنگ سرخ به‌عنوان نماد عشق بهره برده است. تصویر شماره (۳) این مفهوم را به تصویر کشیده است.



تصویر ۳- گنبدسرخ، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۹۵۰ ه.ق. منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سرخ

سرخ، رنگ زیبایی ظاهری و شادابی

آن کنیزک شد چو شاخ خیزران گشت گلنارش چو برگ زعفران

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۳۱)

سرخ، رنگ زیبایی و تندرستی است که در تقابل با زردی که رنگ بیماری است آمده است. «گلنار» استعاره از چهره سرخ و زیباست.

خطش سرسبزی باغ ارم داشت لب او سرخ‌رویی نیز هم داشت

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۴۴)

«سرخ‌رویی لب»، تشخیص و کنایه از سرخی و زیبایی لب است.

جدول ۷: بسامد رنگ سرخ و واژه‌های جانشین آن

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۲۳۶	۱۳	۵۸	۹۶	۶۹

جدول ۸: آمار کارکرد معنایی رنگ سرخ در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۱۲۴	۶	۳۲	۴۷	۳۹

جدول ۹: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیر انتزاعی بیان شده با رنگ سرخ در ۴ مثنوی

جمع	مفاهیم غیر انتزاعی	مفاهیم انتزاعی
۳۴	۱۴	۲۰

#### ۲,۴. سبز

رنگ سبز رنگ شادابی طبیعت و رنگی آرام‌بخش و موجب تعادل روحی-روانی است. «تسکین‌دهنده، طبیعی، باطراوت، التیام‌بخش، تازه» است (آیزمن، ۱۳۹۷: ۴۷). «رنگ سبز، رنگ بهشتی و مقدس و نشان دهنده ایمان و کمال است» (سیدترابی، ۱۳۹۷: ۲۴۴). عطار از رنگ سبز و دیگر مصادیق آن ۶۹ بار استفاده کرده است و به این رنگ، نظری مثبت دارد.



تصویر ۴: گنبد سبز، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۹۲۸ه.ق. منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

#### الف: مفاهیم انتزاعی رنگ سبز

۱. سبز، رنگ کامکاری و صاحب دولتی و نماد فرشتگان مقرب و اهل بهشت  
 سبزپوشان را تو محرم آمدی لاجرم سرسبز عالم آمدی  
 (عطار، ۱۳۹۷: ۳۰۶)
- «سبزپوشان»، کنایه از فرشتگان و «سرسبز» در این بیت کنایه از کامکار و صاحب دولت است.
۲. سبز، رنگ و نماد روح و جان  
 طوطی آمد با دهان پر شکر در لباس فستقی با طوق زر  
 (عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۸)
- طوطی نماد روح و جان است که به رنگ سبز توصیف شده است و «لباس فستقی»، کنایه از پره‌های طوطی است.
۴. سرسبزی به معنی ایمنی و آسایش  
 تا زفان سرخ دارد ساکنی تو به سرسبزی نشسته ایمنی  
 (عطار، ۱۳۹۷: ۴۵۲)
- متن حکایت تأکید بر عدم افشای راز دارد. «سرسبزی» کنایه از ایمنی و آسایش است.
۵. سبز، رنگ نشاط سلوک و نماد معرفت و عارف واصل  
 آنچنان سرسبزی در بُرخ بود کز سوادش چهره دین سرخ بود  
 (عطار، ۱۳۹۷: ۱۸۳)
- «سبز» نماد معرفت و «سرسبزی»، کنایه از یقین و معرفت است. برخ سیاه از محبان خداوند بود که با دعای او بنی‌اسرائیل از خشکسالی نجات یافتند.

#### ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سبز

- سبز، رنگ آسمان  
 غباری از همه صحرا برآمد فغان از گنبد خضرا برآمد  
 (عطار، ۱۳۹۷: ۳۸۰)
- قدما آسمان را سبز می‌پنداشته و سبز را به جای کبود و آبی به کار می‌برده‌اند. «گنبد خضرا»، کنایه از آسمان است.

جدول ۱۰: بسامد رنگ سبز و واژه‌های جانشین آن

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۶۹	۱۲	۱۲	۲۵	۲۰

جدول ۱۱: آمار کارکرد معنایی رنگ سبز در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۴۸	۸	۸	۲۲	۱۰



جدول ۱۲: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی بیان شده با رنگ سبز در ۴ مثنوی

مفاهیم انتزاعی	مفاهیم غیر انتزاعی	جمع
۷	۱۳	۲۰

## ۲.۵. زرد

رنگ زرد این پیام را منتقل می‌کند که ما با چیزی غیرمترقبه و غیرمعمول مواجهیم (کوپر، ۱۳۹۳: ۴۴) «رنگ زرد بیشتر با روح و روان سروکار دارد... این رنگ با فلسفه‌های شرقی نیز مرتبط است» (کارکیا، ۱۳۷۵: ۶۹). رنگ زرد و دیگر مصادیق آن ۱۱۶ بار در مثنوی‌های عطار به کار رفته است. عمده کارکرد این رنگ در مثنوی‌های عطار، بیان مفاهیم انتزاعی است و عطار به هر دو جنبه مثبت و منفی آن نظر داشته است.

### الف: مفاهیم انتزاعی رنگ زرد

۱. زرد رنگ و نماد عشق و دلدادگی و فراق

شد چو شاخی زعفران از دردِ او گشت هم‌رنگِ زیری زردِ او  
(عطار، ۱۳۹۷: ۳۳۰)

«زرد»، نماد عاشق؛ چون شاخ زعفران شدن و هم‌رنگ زیر شدن به معنی زرد شدن، و «زرد کسی شدن»، کنایه از عاشق کسی شدن است. عطار بین رنگ زرد و زعفرانی تفکیکی قائل نشده است.

۲. زرد، رنگِ تصویرِ ترس

هر که را من زرد آیم در نظر ظن برد کاینجا بترسیدم مگر  
(عطار، ۱۳۹۷: ۳۳۵)

«زرد»، نماد ترس و «زردرویی»، کنایه از ترس و نشانه آن است.

۳. زرد نماد فنا و در مفهوم مرگ پیش از مرگ

گرت چون سبزه سرسبز است برخیز بلرز و زرد شو وز هم فرو ریز  
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۴۶)

زردی نماد فنا و وصال و «لرزیدن و زرد شدن و فرو ریختن» در مفهوم مرگ اختیاری (موتوا قبلان موتوا) و کنایه از آن است؛ از دید عطار این مرگ باعث سرافرازی و شهرت حقیقی خواهد شد.

۴. زرد، رنگ چهره سالکان، عارفان و عاشقان

خاک عالم صد هزاران بار بیخت دُر بسی بر تخته دینار ریخت  
(عطار، ۱۳۹۷: ۱۶۳)

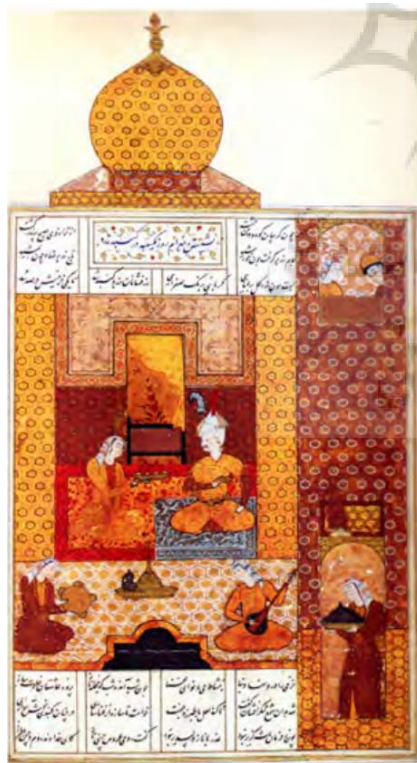
«دُر» استعاره از اشک و «تخته دینار» استعاره از چهره زرد سالک است که خسته و ناامید از جستن راهی است که به کمک آن بتواند به حقیقت برسد.

۵. زرد، رنگ و نماد شرمندگی، ناامیدی، و بی‌رونی و بی‌ارزش شدن

توای زرا! زرد گرد از ناامیدی! تو نیز ای سیم! می‌کن این سپیدی!

(عطار، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

«زرد»، نماد بی‌رونقی و بی‌ارزشی و «زردگشتن»، کنایه از شرمندگی، ناامیدی و از رونق افتادن است. در نگاره‌های خمسه نظامی نیز به‌نظر می‌رسد هنرمند کوشیده است تا از رنگ زرد برای انتقال مفهوم ناامیدی استفاده کند.



تصویر ۵: گنبد زرد، خمسه نظامی، مکتب شیراز، ۹۵۵ ه.ق، منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ زرد

زرد، رنگ اجرام آسمانی

کهکشانشان پر دانه زربین تراست در جهان تخم طلب چندین تراست

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۰۷)

خطاب سالک فکرت به کرسی است. «دانه زربین» استعاره از ستارگان است به اعتبار نور و رنگ آن‌ها.

جدول ۱۳: بسامد رنگ زرد و واژه‌های جانشین آن

الهی‌نامه	مصیبت‌نامه	منطق‌الطیر	اسرارنامه	جمع
۳۲	۴۴	۲۸	۱۵	۱۱۹

جدول ۱۴: آمار کارکرد معنایی رنگ زرد در قالب تصاویر بلاغی

الهی‌نامه	مصیبت‌نامه	منطق‌الطیر	اسرارنامه	جمع
۲۷	۳۲	۱۷	۱۵	۹۱

جدول ۱۵: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیر انتزاعی بیان شده با استفاده از رنگ زرد در ۴ مثنوی

مفاهیم انتزاعی	مفاهیم غیر انتزاعی	جمع
۲۵	۱۹	۴۴

## ۲،۶. آبی

رنگ آبی «الهام بخش عواطف روحانی، معنوی، عرفانی و عامل وحدت» است (فلسفی، ۱۳۹۰: ۳۰). «آبی سمبل الهام و ایثار، صلح و آرامش است. رنگی بسیار مطلوب برای تعمق و مراقبه و مکان‌های شفا» (ویلز، ۱۳۹۲: ۱۳۶). عطار در مثنوی‌های خود ۶۲ بار واژه‌های جایگزین و مصادیق دیگر رنگ آبی را به کار برده است جز یک مورد، از خود رنگ‌واژه آبی استفاده نکرده است و به جای آن، واژه‌های کبود، نیلی، ازرق، کحلی و... را به کار برده است. او جنبه‌های منفی رنگ آبی را بیشتر با رنگ‌های کبود، ازرق و نیلی، و جنبه‌های مثبت و شاد آن را با رنگ فیروزه‌ای نشان داده است. در نگاره‌های هفت گنبد نظامی از رنگ آبی برای تصویر کردن شادی، زندگی و امید استفاده شده است. تصویر شماره (۶) این نگاره را منعکس ساخته است.



تصویر ۶: نگاره گنبد آبی، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۵۹۶۰ ق. منبع: (سلطانی کاشفی و همکاران: ۱۳۹۳).

### الف: مفاهیم انتزاعی رنگ آبی (و مصادیق آن)

۱. آبی، رنگ شرم و خجلت

کوه چون سنگی شد از تقدیر او بحر آبی گشت از تشویر او

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۳۵)

رنگ آبی دریا را نشانه شرمندگی می‌داند؛ در صورتی که در سنت ادبی، رنگ زرد نشانه شرمندگی است. رنگ‌واژه آبی فقط یک‌بار در مثنوی‌های عطار به کار رفته است.

## ۲. کبود، رنگ و نماد اندوه و مصیبت

عطار برای بیان رنگ آسمان، رنگ‌های کبود، فیروزه‌ای، نیلی، کحلی، نیلوفری، لاجوردی و آبنوسی را به جای رنگ آبی به کار برده است و در محمل این رنگ‌ها به مفاهیمی از قبیل سوگوار بودن آسمان به دلیل ناکامی از راهیابی به درگاه خدا، خلقت و ماهیت آسمان، مقایسه حقیقت دنیا و افلاک با عالم معنا، زندان بودن دنیا، رنج و آفت و بی‌کرانگی آسمان اشاره کرده است.

کبود از بهر آن پوشید گردون که همچون حلقه، زان در، ماند بیرون  
(عطار، ۱۳۹۷: ۹۰)

«کبود»، نماد حزن، اندوه و مصیبت است. عطار، محرومیت گردون از راهیابی به درگاه خدا را باعث کبودپوشی و ماتم و سوگ او می‌داند.

## ۳. کبودی، بیانگر نقص و زشتی و رمز و نشان جهل و نادانی

شرع را از طبع نافرمان شدی کور بودی در کبودی زان شدی  
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۷)

«کبود»، نماد بی‌معرفتی و ریاکاری است. و «کور و کبود»، کنایه از بی‌ارزشی، حقارت و نقص است. بیت، تعریضی به کبودپوشان صوفی‌نما است.

## ۴. ازرق، رنگی برای منفور نشان دادن دنیا

دو چشمش ازرق و چون قیر رویش نجاست می‌دمید از چار سویش  
(عطار، ۱۳۹۷: ۱۸۰)

بیت در توصیف دنیا است که به شکل پیرزنی بر عیسی (ع) جلوه می‌کند. «چشم ازرق و روی سیاه»، در اینجا کنایه از زشت بودن است و منفور بودن دنیا را بیان می‌کند. در روز قیامت، خداوند، بدکاران را «کبود چشم» محشور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

## ۵. نیلی، رنگ عزا و ماتم

چون ز نامردی نیّم من مرد او جامه نیلی کرده‌ام از درد او...  
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۷)

دریا، خود را ناتوان از شناخت حق می‌داند و از درد فراق، جامه نیلی پوشیده است. «نیلی»، نماد حزن و ماتم و «جامه نیلی کردن»، کنایه از عزادار بودن و نشانه آن است.

۱ - سورة طه، آیه ۱۰۲

ب: مفاهیم غیرانتزاعی رنگ آبی (و مصادیق آن)

۱. کبود، رنگ آسمان

چه خواهیم کرد طول و عرض دنیا کبودی سما و ارض دنیا  
(عطار، ۱۳۹۷: ۳۹۸)

«کبودی» علاوه بر رنگ آسمان، در اینجا کنایه از بی‌کرانگی آن است.

۲. فیروزه‌ای، رنگ دریا و نماد صوفیان عاشق و اهل رقص و سماع

صوفی فیروزه پوش گوهری جوش می‌زن چون به جوشی خوش دری  
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۹۲)

«صوفی فیروزه‌پوش» کنایه از دریاست. عطار، آنگاه که آسمان و دریا را فیروزه پوش می‌نامد، اغلب از شادی و نشاط آن‌ها سخن می‌گوید.

جدول ۱۶: بسامد رنگ آبی و مصادیق آن

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۶۲	۲۰	۹	۱۶	۱۷

جدول ۱۷: آمار کارکرد معنایی رنگ آبی و مصادیق آن در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۵۸	۲۰	۸	۱۴	۱۶

جدول ۱۸: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیر انتزاعی بیان شده با استفاده از رنگ آبی و مصادیق آن در ۴ مثنوی

جمع	مفاهیم غیر انتزاعی	مفاهیم انتزاعی
۳۱	۱۸	۱۳

## ۲،۷. رنگ‌های انتزاعی

رنگ‌های انتزاعی، مطلوب‌ترین رنگ‌ها در نظام فکری عطار هستند و بعضی از مباحث کلیدی تصوف از جمله: بی‌رنگی و اخلاص، فنا و محو در توحید و ذات حق، خاموشی و جاودانگی، ترک تعلقات، تفرقه، رنگ خدا (رنگ بی‌رنگی) و وحدت عاشق و معشوق را با تأویل این رنگ‌ها بیان کرده است. بیشتر این رنگ‌ها برساخته ذهن عطار هستند.

### ۱-۷. رنگ جان

اگر کاری کنی هم‌رنگ جان کن مکن آن بر سر چوبی، نهان کن  
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۴۷)

رنگ جان، رنگ بی‌رنگی و اخلاص است و اگر نور حق به جان بتابد تن هم‌پایه و هم‌رتبهٔ جان می‌گردد و ارزشمند می‌شود. «رنگ جان» کنایه از بی‌رنگی، اخلاص و کمال است.

#### ۲-۷. رنگ دریا

اگر هم‌رنگ دریا گردی امروز شوی در قعر او در شب افروز

(همان: ۲۵۹)

«رنگ دریا»، نماد فنا و وصال است. «هم‌رنگ دریا شدن» کنایه از فنای در ذات حق است.

#### ۳-۷. رنگ جاودان

چو خاموشی است نقدِ جاودانی به رنگِ جاودان شو تا بمانی

(همان: ۳۸۹)

«رنگِ جاودان»، رنگ روح است. این رنگ، همان رنگی است که مس وجود را به کیمیا بدل می‌کند. «رنگِ جاودان» کنایه از خاموشی است.

#### ۴-۷. رنگِ کارِ مردان

ز زیر چرخِ گردانت برآرند به رنگِ کارِ مردانت برآرند

(همان: ۳۹۳)

«مردان»، صوفیان وارسته و منقطع از تعلقات هستی هستند. «رنگِ کارِ مردان» کنایه از آزادی از قید خود، همه چیز و همه‌کس و آزادی از آنچه رنگ تعلق پذیرد.

#### ۵-۷. رنگ یار

هر که او هم‌رنگِ یارِ خویش نیست عشقِ او جز رنگ و بویی بیش نیست

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۹۲)

«هم‌رنگِ یار بودن»، کنایه از وحدت عاشق و معشوق و «رنگ و بو» در اینجا کنایه از ظاهری و بی‌اساس است.

جدول ۱۹: بسامد «رنگ‌های انتزاعی»

الهی‌نامه	مصیبت‌نامه	منطق‌الطیر	اسرارنامه	جمع
۱۱	۳	۱	۱	۱۶

#### ۲,۸. رنگ

عطار در مثنوی‌های خود، بارها با کاربرد واژه «رنگ» به‌تنهایی و یا ترکیب با واژه‌های دیگر، مفاهیم موردنظر خود را به‌صورت کنایی مطرح کرده است. ترفند و روش؛ نوع؛ حیل و فریب؛ رنج؛ پاکی، زیبایی و ارزشمندی؛ فکر، ایده و رفتار؛ زیرکی و لطافت؛ اصل و ماهیت چیزی؛ هم‌رنگ به معنی هم‌دل و صمیمی؛ هم‌رنگی به معنی فناء فی‌الله؛ صبغۀ‌الله؛ سنخیت و وحدت با چیزی؛ رنگ و رگو، در مفهوم آزمودن؛ صدرنگ به مفهوم جلوه‌های فریبنده؛ رنگین به

مفهوم خوب و پررونق؛ یک‌رنگ در مفهوم وحدت؛ یک‌رنگ دیدن به معنای خوب و زیبا دیدن و ... از مفاهیم واژه رنگ هستند.

#### الف: مفاهیم انتزاعی واژه «رنگ»

۱. رنگ، به معنی ترفند و روش

صد هزاران رنگ در کار آورم تا مگر بویی پدیدار آورم

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۵۰)

این بیت را می‌توان دلیلی بر اهمیت رنگ، تلقی کرد؛ چراکه رنگ‌ها کمک می‌کنند تا به بو (ذات و حقیقت یک‌چیز) رهنمون شویم. «رنگ» کنایه از ترفند و روش است.

۲. یک‌رنگ دیدن، به معنای زیبا دیدن

جمله را یک‌رنگ و یک‌مقدار بین مار، مهره بین نه مهره مار بین

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۹۱)

«یک‌رنگ دیدن» کنایه از پاک و زیبا دیدن است.

#### ب: مفاهیم غیرانتزاعی واژه «رنگ»

رنگ، به مفهوم شکل

همه هم‌جامه و هم‌اسب و هم‌رنگ چنان کش گفته بود آن شاه هم‌تنگ

(عطار، ۱۳۹۷: ۳۶۳)

«هم‌رنگ» کنایه از هم‌شکل است.

جدول ۲۰: بسامد واژه «رنگ»

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۸۰	۵	۱۳	۳۵	۲۷

جدول ۲۱: آمار کارکرد معنایی واژه «رنگ» در قالب تصاویر بلاغی

جمع	اسرارنامه	منطق الطیر	مصیبت‌نامه	الهی‌نامه
۷۸	۵	۱۳	۳۵	۲۵

جدول ۲۲: آمار مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی بیان شده با استفاده از واژه «رنگ» در مثنوی‌های عطار

جمع	مفاهیم غیر انتزاعی	مفاهیم انتزاعی
۷۸	۱۶	۶۲

جدول ۲۳: بسامد کاربرد انواع رنگ در مثنوی‌های عطار

رنگ	الهی‌نامه	مصیبت‌نامه	منطق‌الطیر	اسرارنامه	جمع
سیاه	۱۳۵	۱۴۷	۸۹	۸۵	۴۵۶
سفید	۱۰۶	۱۱۷	۹۸	۴۸	۳۶۹
سرخ	۶۹	۹۶	۵۸	۱۳	۲۳۶
سبز	۲۰	۲۵	۱۲	۱۲	۶۹
زرد	۳۲	۴۴	۲۸	۱۵	۱۱۹
آبی	۱۷	۱۶	۹	۲۰	۶۲
انتزاعی	۱۱	۳	۱	۱	۱۶
«رنگ»	۲۷	۳۵	۱۳	۵	۸۰
جمع	۴۱۷	۴۸۳	۳۰۸	۱۹۹	۱۴۰۷

جدول ۲۴: آمار نوع اشاره به رنگ در مثنوی‌های عطار

رنگ	اشاره مستقیم	واژه جایگزین و دیگر مصادیق رنگ	جمع
سیاه	۱۳۷	۳۱۹	۴۵۶
سفید	۳۹	۳۳۰	۳۶۹
سرخ	۲۸	۲۰۸	۲۳۶
سبز	۴۹	۲۰	۶۹
زرد	۴۱	۷۸	۱۱۹
آبی	۱	۶۱	۶۲
جمع	۲۹۵	۱۰۱۶	۱۳۱۱

جدول ۲۵: بسامد کارکرد معنایی رنگ در قالب تصاویر بلاغی در مثنوی‌های عطار

مثنوی	الهی‌نامه	مصیبت‌نامه	منطق‌الطیر	اسرارنامه	جمع
تشبیه	۶۷	۳۵	۲۸	۱۹	۱۴۹
استعاره	۴۶	۴۴	۳۰	۱۲	۱۳۲
کنایه	۱۱۳	۱۸۹	۹۸	۹۵	۴۹۵
تشبیه و کنایه	۴۸	۷۱	۶۳	۱۸	۲۰۰
تشبیه و استعاره	۹	۴	۱	-	۱۴
استعاره و کنایه	۲	۷	-	۵	۱۴
کنایه و مجاز	۲	۱	-	-	۳
کنایه و نماد	۳	۴	۲	۱	۱۰
نماد	۴	۴	۱	۱	۱۰
مجاز	-	۱	-	-	۱
تشبیه و مجاز	۱	-	۲	-	۳
تشبیه و نماد	۱	-	-	۱	۲



مثنوی	الهی نامه	مصیبتنامه	منطق الطیر	اسرارنامه	جمع
استعاره و نماد	-	-	-	۱	۱
نماد، کنایه، تشبیه	-	-	۱	-	۱
تشبیه، استعاره، کنایه	-	-	-	۱	۱
جمع	۲۹۶	۳۶۰	۲۲۶	۱۵۴	۱۰۳۶

### نتیجه گیری

عطار در مثنوی‌های خود ۱۳۲۰ بار رنگ‌های سیاه، سفید، سرخ، سبز، زرد، کبود (و دیگر مصادیق رنگ آبی) و واژه‌های جانشین آن‌ها، ۱۶ بار «رنگ‌های انتزاعی» و ۸۰ بار، خود واژه «رنگ» را به کار برده است. بیشترین بسامد کاربرد رنگ، به رنگ‌های سیاه و سفید و کم‌ترین آن به «رنگ‌های انتزاعی» اختصاص دارد.

او از همه این رنگ‌ها برای بیان مفاهیم انتزاعی و مفاهیم غیرانتزاعی سود جست است. از جمله مفاهیم انتزاعی که با استفاده از رنگ سیاه بیان شده است می‌توان به حقارت و بی‌ارزشی، هجران، کینه، مصائب و دشواری‌ها، نادانی و بی‌خردی، عقل و حشمت و خودبینی، فقر، بخل و امساک، ارزشمندی و فنا، بی‌بصیرتی، گمراهی و کج‌اندیشی، و ابهام و رازناکی دنیا و آخرت اشاره کرد. زشتی چهره، نابینایی، انبوهی، زیبایی ظاهری (چشم، زلف، خط و خال و ابرو) از جمله مفاهیم غیر انتزاعی هستند که به کمک رنگ سیاه بیان شده‌اند.

تزکیه و پاکی، امید، عشق، تقوا و پرهیزگاری، وصال، آرامش خاطر و خوشبختی، هدایت، بخشش و عفو پروردگار، جانِ علوی، نقص در معرفت، نیکوکاری و بی‌گناهی از مفاهیم انتزاعی هستند که به کمک رنگ سفید بیان شده‌اند. رنگ سفید مفاهیم غیرانتزاعی را مانند زیبایی تن و اندام، اشک، پیری، رنگ صبح، روز، مهتاب و ستاره و... بیان می‌کند. رنگ سفید، بیشتر برای بیان مفاهیم غیرانتزاعی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله مفاهیم انتزاعی رنگ سرخ می‌توان به عشق و عاشقی، شهادت و افتخار و سربلندی، مستی، تقدس، اسرار دل، و سوختن و فنا (در بُعد عرفانی) اشاره کرد. زیبایی چهره، لب، گل‌ها، زخم، جنگ و خونریزی از معانی و مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سرخ هستند. این رنگ بیشتر معانی و مفاهیم انتزاعی را بیان می‌کند. کامکاری، رونق و خرمی، ایمان و یقین در ایمان، ایمنی و آسایش و نشاط سلوک، رنگ جامه فرشتگان و اهل بهشت از جمله مفاهیم انتزاعی هستند که با رنگ سبز بیان شده‌اند؛ از مفاهیم غیرانتزاعی رنگ سبز می‌توان به زیبایی بهار، طبیعت، جوانی، و رنگ آسمان اشاره کرد. رنگ سبز بیشتر مفاهیم غیرانتزاعی را منعکس می‌کند.

از جمله معانی و مفاهیم انتزاعی رنگ زرد می‌توان به اندوه فراق و اشتیاق، غلبه عشق، ترس، بیماری و شرمساری، مرگ پیش از مرگ، رنگ روی عاشقان و عارفان و اهل دل، و شرم و حیا در بیان راز اشاره کرد. زیبایی و پژمردگی، رنگ غروب و رنگ اجرام آسمانی از جمله معانی و مفاهیم غیرانتزاعی رنگ زرد هستند. رنگ زرد بیشتر مفاهیم انتزاعی را منعکس می‌کند. نفرت از دنیا، نقص و زشتی، بی‌ارزشی، بخل، سوگ و ماتم، پیروزی و... از معانی و مفاهیم

انتزاعی رنگ آبی و دیگر مصادیق آن است؛ از مفاهیم غیر انتزاعی این رنگ می‌توان به بیان رنگ آسمان، دریا، رنگ خرقه صوفیان و بیان ضعف و گرسنگی اشاره کرد. عطار بارها با خود واژه «رنگ»، معانی و مفاهیم مورد نظر خود را ارائه کرده است؛ از معانی و مفاهیم انتزاعی واژه رنگ می‌توان به عیب‌وعار، همدلی و صمیمیت، حيله‌وفريب، ترفند و روش و از مفاهیم غیرانتزاعی آن می‌توان به شباهت، زیبایی، نوع و انواع و شکل ظاهری، اشاره کرد.

نکته مهم در مثنوی‌های عطار، کاربرد نوعی رنگ است که برای تفکیک از رنگ‌های دیگر به نام رنگ‌های انتزاعی از آنها یاد شده است. هرچند بسامد این نوع رنگ اندک است اما جایگاه ویژه‌ای در بیان مفاهیم کلیدی عرفان و تصوف عطار دارد. این نوع رنگ مطلوب‌ترین رنگ‌ها در نظام فکری عطار هستند و معانی و مفاهیم مهم و کلیدی عرفان و تصوف مانند بی‌رنگی و اخلاص، محو و فنا در توحید و ذات حق، ترک تعلقات، خاموشی و جاودانگی، تفرقه، وحدت عاشق و معشوق را منعکس می‌کنند، بسامد این رنگ در الهی‌نامه بیشتر از سه مثنوی دیگر است و این موضوع و همچنین سنخیت مفاهیم این رنگ با نام مثنوی الهی‌نامه، بیانگر آن است که عطار در الهی‌نامه بیشتر از سه مثنوی دیگر به دنبال معرفی رنگ و جوهره اصلی نحله فکری خود یعنی «توحید» است.

توصیفات غزلی و مفاهیم غنایی و عاشقانه یکی از دلایل حضور رنگ‌ها به ویژه دو رنگ سفید و سیاه در مثنوی‌های عطار است. در چنین فضایی رنگ‌ها برای بیان زیبایی، و زیبایی برای بیان مفهومی عرفانی و انتزاعی به کار گرفته شده است: رنگ < زیبایی > مفهوم عرفانی. در مثنوی‌های عطار، رنگ‌ها و واژه‌های جایگزین آن‌ها ۱۰۳۶ بار کارکرد تصویری و بیشتر در ساختمان سه عنصر بلاغی کنایه، تشبیه، استعاره نمود یافته‌اند. نقش کنایه بسیار پررنگ‌تر از عناصر بلاغی دیگر است و عطار بیشتر مفاهیم انتزاعی و عرفانی مورد نظر خود را به صورت کنایی مطرح کرده و این نشان تعمد و میل عطار به پوشیده گویی است. «درهم‌تنیدگی عناصر بلاغی» برای بیان مفاهیم، از شگردهای زبانی و تصویری عطار برای عمق بخشیدن به مفاهیم مورد نظر است که در این میان درهم‌تنیدگی تشبیه و کنایه بیشترین نمود را دارد. در مثنوی‌های عطار دایره رنگ‌ها محدود است و به همین دلیل بسامد واژه‌های جان‌نشین رنگ بسیار بیشتر از اشاره مستقیم به رنگ‌هاست.

## منابع

## کتاب‌ها

- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). اسطوره، بیان نمادین، تهران: سخن.
- انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ کنایات سخن، ج ۱، تهران: سخن.
- آیزمن، لئاتریس. (۱۳۹۳). روانشناسی کاربرد رنگ‌ها، «پنتون» ترجمه روح‌الله زمزمه، تهران: بیهق کتاب.
- پورحسینی، مزده. (۱۳۸۴). معنای رنگ، تهران: هنر آبی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). بیان، چاپ نخست از ویراست چهارم، تهران: میترا.
- شوالیه، ژان؛ گبران، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها، چاپ سودابه فضایی، ج ۳، چاپ دوم، تهران: جیحون.
- عطار، نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷). اسرارنامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هشتم، تهران، سخن.
- عطار، فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، (۱۳۹۷)، الهی‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هشتم، تهران، سخن.
- عطار، فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، (۱۳۹۷)، مصیبت‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی چاپ هشتم، تهران: سخن.
- عطارنیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۸). تذکره‌الاولیا، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، تهران: سخن.
- عطار، فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، (۱۳۹۷). منطق‌الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ شانزدهم، تهران: سخن.
- فلسفی، احمد. (۱۳۹۰). اسرار روانشناسی رنگ‌ها (و خواص درمانی آن‌ها)، تهران: فراروانشناسی.
- کارکیا، فرزانه. (۱۳۷۵). رنگ، نوآوری، بهره‌وری، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- کوپر، مایمی. (۱۳۹۳). دانش و روانشناسی رنگ‌ها، مترجم امیرحسین مکی، تهران: آریاگهر.
- لوشر، ماکس. (۱۳۹۷). روانشناسی رنگ‌ها، چاپ ویدا ابی زاده، چاپ بیست و نهم، تهران: دُرسا.
- ویلز، پاولین. (۱۳۹۲). رنگ‌درمانی، ترجمه مرجان فرجی، تهران: درسا.

## مقالات

- آنه ماری، شیمیل؛ پرسیلا ساسک؛ میراحمدی، مریم. (۱۳۸۲). «ارزش‌های رنگ در هنر و ادبیات ایران»، نامه انجمن، شماره ۱۲، صص ۴۰-۵۸.
- سیدترابی، سیدحسن. (۱۳۹۵). «کارکرد عرفانی نماد رنگ در مثنوی‌های عطار نیشابوری»، ادیان مذاهب و عرفان: عرفان اسلامی، شماره ۵۸، ۲۳۱-۲۵۲.
- کاشفی، جلال‌الدین سلطان؛ صفاری احمدآباد، سمیه و شریف‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۳). «رمزگشایی معانی عرفانی رنگ در نگاره‌های از هفت‌گنبد (براساس آراء حکیمان اسلامی)». نگارینه هنر اسلامی، ش ۴، ۴۲-۵۵.

نیکوبخت، ناصر؛ سیدعلی قاسم‌زاده. (۱۳۸۴). «زمینه‌نمادین رنگ در شعر معاصر (با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی)». نشر پژوهی ادب فارسی، شماره ۲۳، ۲۰۹-۲۳۸.

مه‌ریار، فرزانه؛ نیازی، شهرزاد و رشیدی، مرتضی. (۱۴۰۰). «تحلیل چگونگی بازتاب مفاهیم رمزگونه داستان گنبد سیاه هفت پیکر در نگاره نسخه مصور خمسه نظامی مدرسه عالی شهید مطهری». فنون ادبی، (۳)، ۱۳، ۴۹-۶۴.